

داستان‌های خوب برای
دختران بلندپرواز ایران

زهرا قجاوند

تصویرسازی:

زهرا ثقفی

مریم ثقفی آزاده ثقفی

فرهنگ نشر نو

با همکاری نشر آسیم

مقدمه سیزده

- آذر اندامی • میکروشناس ۳
- آلنوش طریان • فیزیکدان و ستاره‌شناس ۵
- آنا اسکمانی • سیاستمدار ۷
- انوشه انصاری • فضانورد ۸
- اولین باغچه‌بان • موسیقیدان ۱۱
- ایران درودی • نقاش ۱۲
- بهجت صدر • نقاش ۱۵
- بهناز شفيعی • موتورسوار ۱۶
- بی‌بی حاضر امیدواری • عروسک‌ساز ۱۹
- بی‌بی مریم بختیاری • اولین سردار زن ایرانی ۲۰
- پروانه وثوق • پزشک ۲۳
- پروین اعتصامی • شاعر ۲۵





- پری زنگنه • خواننده ۲۷
- پوری سلطانی • کتابدار ۲۹
- تاج السلطنه • فعال حقوق زنان ۳۱
- توران میرهادی • مادر ادبیات کودک ایران ۳۲
- دنیا فتی زاده • عروسک گردان ۳۴
- رابعه بلخی • شاعر ۳۶
- زهرا خانلری • نویسنده و پژوهشگر ۳۹
- زینب پاشا • فعال حقوق زنان ۴۰
- زینت جهانشاه • اولین واردکننده مُد به ایران ۴۲
- ژاله آموزگار • اسطوره‌شناس ۴۴
- ژاله کاظمی • صداپیشه و نقاش ۴۶
- ستاره فرمانفرمائیان • مادر مددکاری اجتماعی ایران ۴۸
- سوسن تسلیمی • بازیگر ۵۰

سیمین اِکرامی • مجسمه‌ساز ۵۲

سیمین بهبانی • شاعر ۵۴

سیمین دانشور • نویسنده و مترجم ۵۶

شہلا دہ‌بزرگی • خلبان ۵۹

شہین‌دخت سَرلَتی • بانوی گل سرخ ۶۰

صدیقہ دولت آبادی • روزنامه‌نگار ۶۲

عفت تجارتچی • خلبان ۶۴

فاطمہ استرآبادی • طنزنویس و فعال حقوق زنان ۶۶

فاطمہ سَیّاح • منتقد ادبی ۶۹

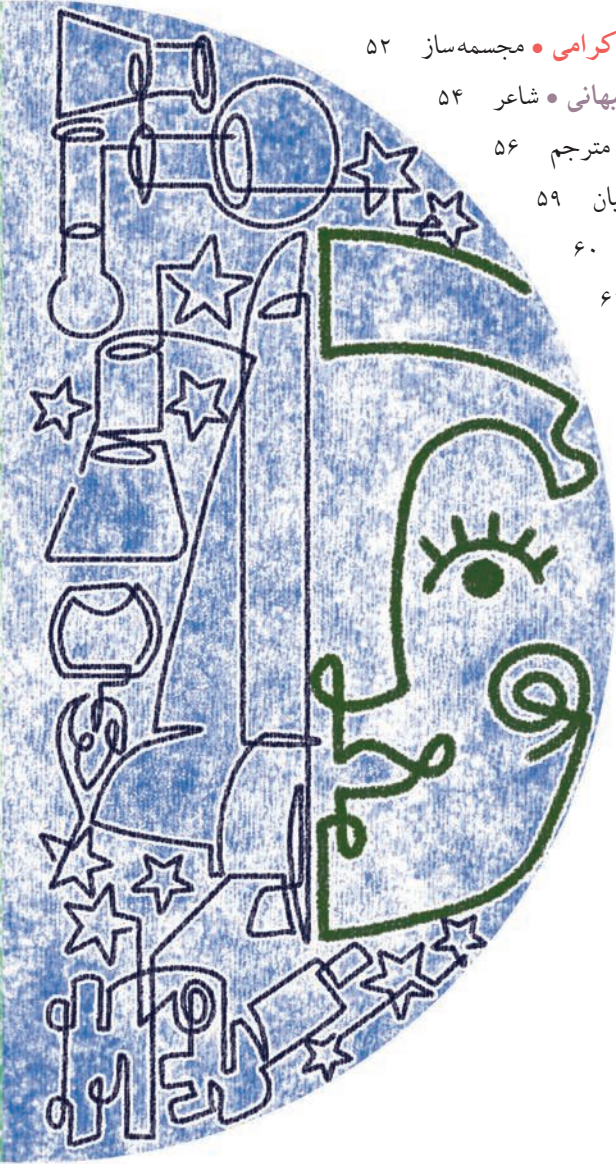
فروغ فرخزاد • شاعر ۷۱

قمر الملوک وزیری • خواننده ۷۲

لالہ صِدِّیق • اتومبیلران ۷۴

لیلا اسفندیاری • کوهنورد ۷۶

لیلا عبداللہی • جواهرساز ۷۹





- لیلی افشار • گیتاریست ۸۰
- لیلیت تریان • مجسمه‌ساز ۸۲
- ماه‌نسا شہسواری پور • مادر صنایع دستی ۸۴
- محترم اسکندری • فعال حقوق زنان ۸۶
- مریم زندی • عکاس ۸۸
- مُکرمہ قنبری • نقاش خودآموخته ۹۱
- ملک تاج فیروز نَجْمُ السلطنہ • مؤسس بیمارستان نجمیہ ۹۳
- ملیکا بُکایی • جهانگرد ۹۴
- مہتاب نوروزی • سوزن‌دوز ۹۶
- مہلقا ملاح • فعال محیط زیست ۹۸
- مہناز میرزایی • مهندس معدن ۱۰۰
- نوش آفرین انصاری • پژوهشگر علوم کتابداری ۱۰۲
- نیوشا توکلیان • عکاس ۱۰۵
- ہایدہ شیرزادی • فعال محیط زیست ۱۰۶



انجمن بین‌المللی نجوم در سال ۱۹۹۲، نام زنی ایرانی را روی بخشی از سیاره زهره گذاشت. نام آن زن، آذر اندامی بود. اما او چه کار بزرگی کرده بود که نامش برای همیشه بر سیاره زهره ثبت شد؟

آذر در شهر زیبای رشت به دنیا آمد. دوران ابتدایی را یک سال زودتر از همکلاسی‌هایش به پایان رساند. بار خانواده بیشتر بر دوش مادر بود، اما آذر در کنار درس خواندن، گلدوزی و خیاطی و بعضی روزها تدریس خصوصی می‌کرد تا در تأمین هزینه زندگی به مادرش کمک کند. بعد از دوران دبیرستان، آذر وارد دانشسرای مقدماتی شد تا معلم شود. او با نمره عالی فارغ‌التحصیل شد و به شغل معلمی پرداخت. عاشق معلمی بود اما تشنه آموختن هم بود و در همان سال‌های معلمی ادامه تحصیل داد و در دانشگاه تهران در رشته پزشکی پذیرفته شد. بعد از گرفتن مدرک پزشکی باز هم به تحصیل ادامه داد و مدرک فوق تخصصی زنان و زایمان را هم گرفت. آذر احساس می‌کرد که با این تخصص بهتر است جای دیگری به مردم خدمت کند، پس از شغل معلمی استعفا داد و به خدمت انستیتو پاستور درآمد. آنجا بود که استعداد پژوهشگری آذر شکوفا شد. او در آزمایشگاه انستیتو پاستور روی میکروب‌ها و چگونگی رشد و نمو آنها در بدن تحقیق می‌کرد و پژوهش‌های بسیار مهمی درباره باکتری‌شناسی عفونت‌های بیمارستانی انجام داد و نتیجه آن پژوهش‌ها را در نشریات معتبر پزشکی منتشر کرد. این پژوهش‌ها نقطه عطفی در زندگی آذر بود.

در سال ۱۳۴۲ بیماری وبای التور شایع شده بود و بسیاری از مردم به علت این بیماری جان می‌باختند. آذر دریافت که علت مرگ بیشتر مردم به خاطر آب‌های آلوده و نبود امکانات بهداشتی است. او شروع به ساخت واکسن وبای التور کرد و به مبارزه با این بیماری پرداخت و بقیه زندگی‌اش را وقف پیدا کردن شیوه‌های درمان بیماران کرد.

آذر با ساخت واکسن مرغوب، نیاز کشور و حتی نیاز کشورهای همسایه را تأمین کرد و این یعنی نجات جان میلیون‌ها نفر.

آذر چنان در کارش موفق بود که انستیتو پاستور او را برای ادامه تحصیل به پاریس فرستاد. او در آنجا مدرک میکروبی‌شناسی گرفت و به ایران بازگشت و مقالات علمی بسیاری در نشریات معتبر خارجی به چاپ رساند. یکی از دوستانش در مورد دوران خدمت آذر در انستیتو پاستور گفته است: «او انسانی بی‌اندازه زحمت‌کش و بااراده بود و در انستیتو پاستور هم روزی نبود که دست از تلاش و پژوهش بردارد.»

آذر پس از بازنشستگی به خدمت به مردم ادامه داد و مدتی در بیمارستانی مسئول آزمایشگاه بود و بعد از آن هم در جنوب شهر بیماری‌های زنان را مداوا می‌کرد. شهرداری شهر زادگاهش رشت، خیابانی را به نام او نامگذاری کرده است.





سال‌ها پیش در خانواده‌ای ارمنی در تهران، دختری به دنیا آمد که نامش را آلنوش گذاشتند؛ یعنی پری دریایی. پدر و مادر آلنوش هردو از بازیگران بزرگ تئاتر بودند، اما آلنوش عاشق علوم بود. برخلاف خیلی از دختر بچه‌ها، از همان دوران کودکی، ماری کوری شیمیدان و فیزیکدان فرانسوی را الگوی خودش قرار داده بود. او هر وقت می‌شنید که یاد گرفتن فیزیک و ریاضی کار دخترها نیست، بسیار عصبانی می‌شد. می‌خواست ثابت کند که فرقی بین دختر و پسر نیست و اگر کسی استعداد و پشتکار کافی داشته باشد، از عهده هر کاری برمی‌آید. آلنوش یک شب به پدرش گفت: «می‌خواهم کاری کنم که از عهده هر کسی بر نمی‌آید.» او بعد از گرفتن دیپلم، رشته فیزیک دانشگاه تهران را انتخاب کرد و بعد از پایان تحصیل مسئول آزمایشگاه فیزیک دانشکده فیزیک شد. آلنوش دختر بلندپروازی بود و هنوز آرزوهای بزرگ‌تری در سر داشت. تصمیم گرفت برای ادامه تحصیل به فرانسه برود و درخواست بورس تحصیلی داد. استادش به او گفت: «همین میزان تحصیلات هم برای یک دختر زیاد است!» اما آلنوش دختری نبود که به این راحتی تسلیم شود و در تابستان همان سال، با تشویق و حمایت پدرش به دانشگاه سوربن در پاریس رفت. آلنوش در آنجا با دختری باهوش و زیبا و کنجکاو به نام «ایرن کوری» آشنا شد که دختر ماری کوری معروف بود؛ همان زنی که از کودکی الگوی آلنوش بود. آلنوش از این آشنایی بسیار خوشحال بود و دوست داشت همکاری‌اش را در رشته فیزیک هسته‌ای با ایرن ادامه دهد، اما به دلیل حساسیتش در برابر تشعشعات از این کار منصرف شد و در آخر با مدرک دکترای فیزیک اتمسفر فارغ التحصیل شد. دانشگاه سوربن برای کرسی استادی دانشگاه از آلنوش دعوت کرد، اما او قبول نکرد و به ایران بازگشت. او مدتی استاد رشته ترمودینامیک دانشگاه بود اما بعد از راه‌اندازی دوباره رشته آختر فیزیک یا فیزیک ستارگان، به تدریس در این رشته پرداخت.

آلنوش، همان دختری که روزی استادش با درخواست بورس او مخالفت کرده و گفته بود که نیازی نیست بیش از این درس بخواند، نخستین استاد زن فیزیکدان ایرانی، و نخستین استاد زن در رشته اختر فیزیک شد و نخستین رصدخانه فیزیک خورشیدی را در ایران پایه‌گذاری کرد. او ساعت‌ها بالای تپه‌ای سرسبز، در رصدخانه‌اش به مطالعه ستارگان و خورشید می‌پرداخت. هر روز از خورشید عکس می‌گرفت و فعالیت‌های سطح خورشید را ثبت می‌کرد. عکس‌های آلنوش از طرف مجامع علمی بین‌المللی مورد تقدیر قرار گرفت و او به «مادر نجوم ایران» و «بانوی اختر فیزیک ایران» معروف شد. او ثابت کرد که آموختن هیچ علمی در انحصار مردان نیست.

آلنوش در سال‌های پایانی عمرش، خانه‌اش را وقف دانشجویانی کرد که جایی برای اقامت نداشتند و خودش در خانه سالمندان زندگی می‌کرد.